

به نام خدا



عنوان کتاب: قصه انقلاب

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی آسمانه

ناشر: انتشارات قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰۰

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۵

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

(حق چاپ محفوظ است)

فهرست

- ۴..... شاه ترسو
۶..... سخنرانی تاریخی امام خمینی (رحمة الله عليه)
۸..... پانزدهم خرداد
۱۰..... تبعید امام خمینی (رحمة الله عليه)
۱۲..... نوزدهم دیماه
۱۴..... چهلّم شهدای قم
۱۶..... جمعه سیاه
۱۸..... سیزدهم آبان
۲۰..... فرار شاه
۲۲..... بازگشت امام به میهن



شاه ترسو

سال‌ها قبل، کشور ما ایران، یک شاهی داشت به اسم محمدرضا پهلوی. شاه به جای این که به فکر مردم کشورش باشد همه‌اش کارهایی می‌کرد که آمریکایی‌ها از او خوششان بیاید و بگذارند او شاه ایران بماند. مردم در آن دوران از خیلی چیزها ناراضی بودند؛ تا این که شاه یک قانونی درست کرد و اسمش را گذاشت «انقلاب سفید». او می‌خواست همه کارهای اشتباهش را تبدیل به قانون کند تا دیگر کسی نتواند اعتراض کند.



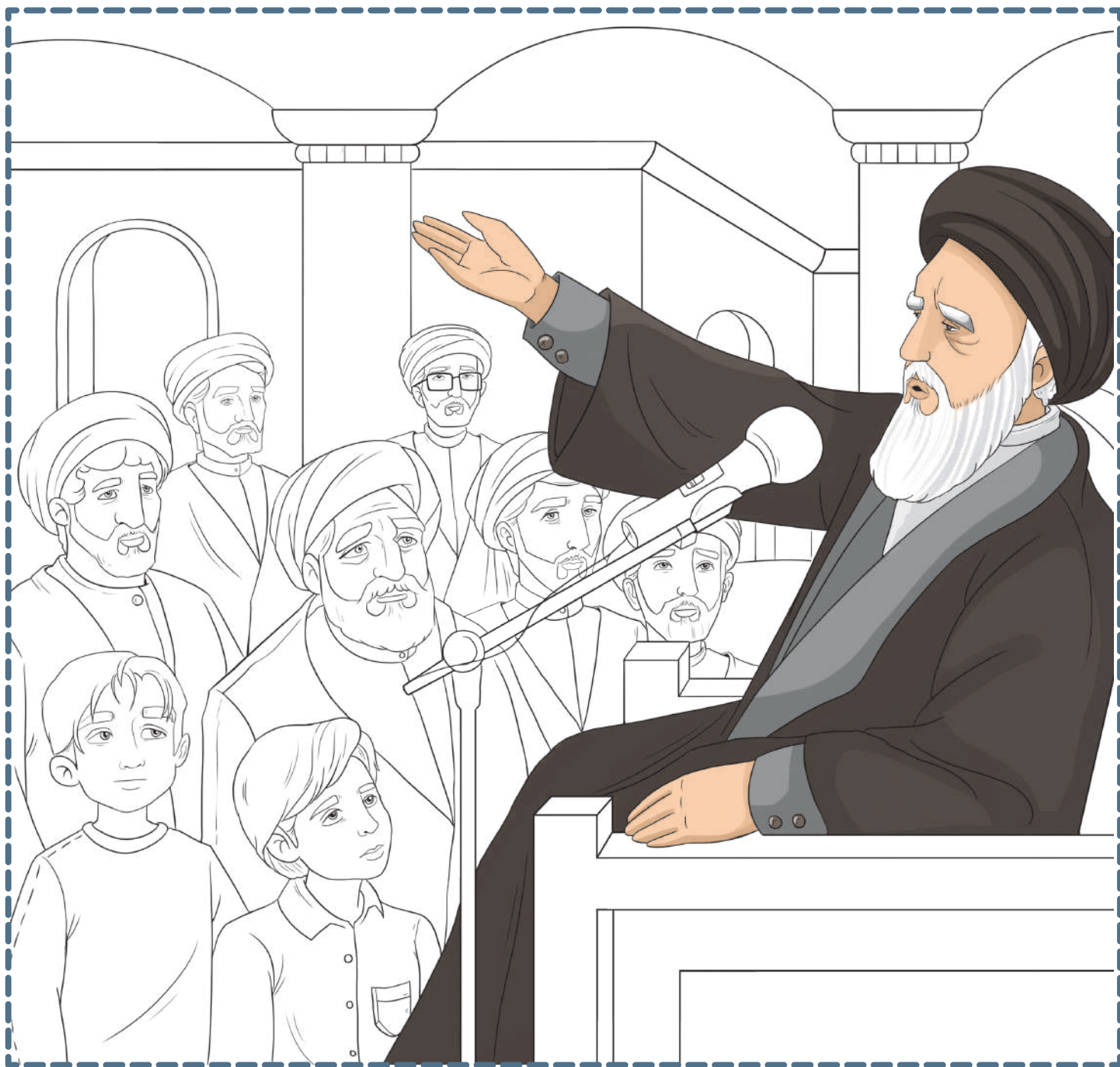


سخنرانی تاریخی امام خمینی

(رحمة الله عليه)

۶

امام خمینی که در بین مردم خیلی طرفدار داشت و حرف دل آن‌ها را می‌زد، شروع کرد به اعتراض کردن به این قانون و کارهای دیگر شاه. او در سخنرانی روز عاشورا، شاه را نصیحت کرد که به جای این کارها به فکر مردم کشورش باشد. اما شاه به جای این که به نصیحت امام گوش کند، مأمورهایش را فرستاد سراغ امام خمینی. آن‌ها به خانه امام حمله کردند و او را دستگیر کردند و بردند زندان تا دیگر کسی جرئت نکند به شاه اعتراض کند.





پانزدهم خرداد

۸

مردم وقتی فهمیدند که امام دستگیر شده و توی زندان است، برای پشتیبانی از امام آمدند توی خیابان‌های تهران راهپیمایی کردند. مأمورها هم به دستور شاه به مردم حمله کردند و خیلی از آن‌ها را کشتند. آن روز، روز پانزدهم خرداد بود و این راهپیمایی بعدها معروف شد به «قیام ۱۵ خرداد».



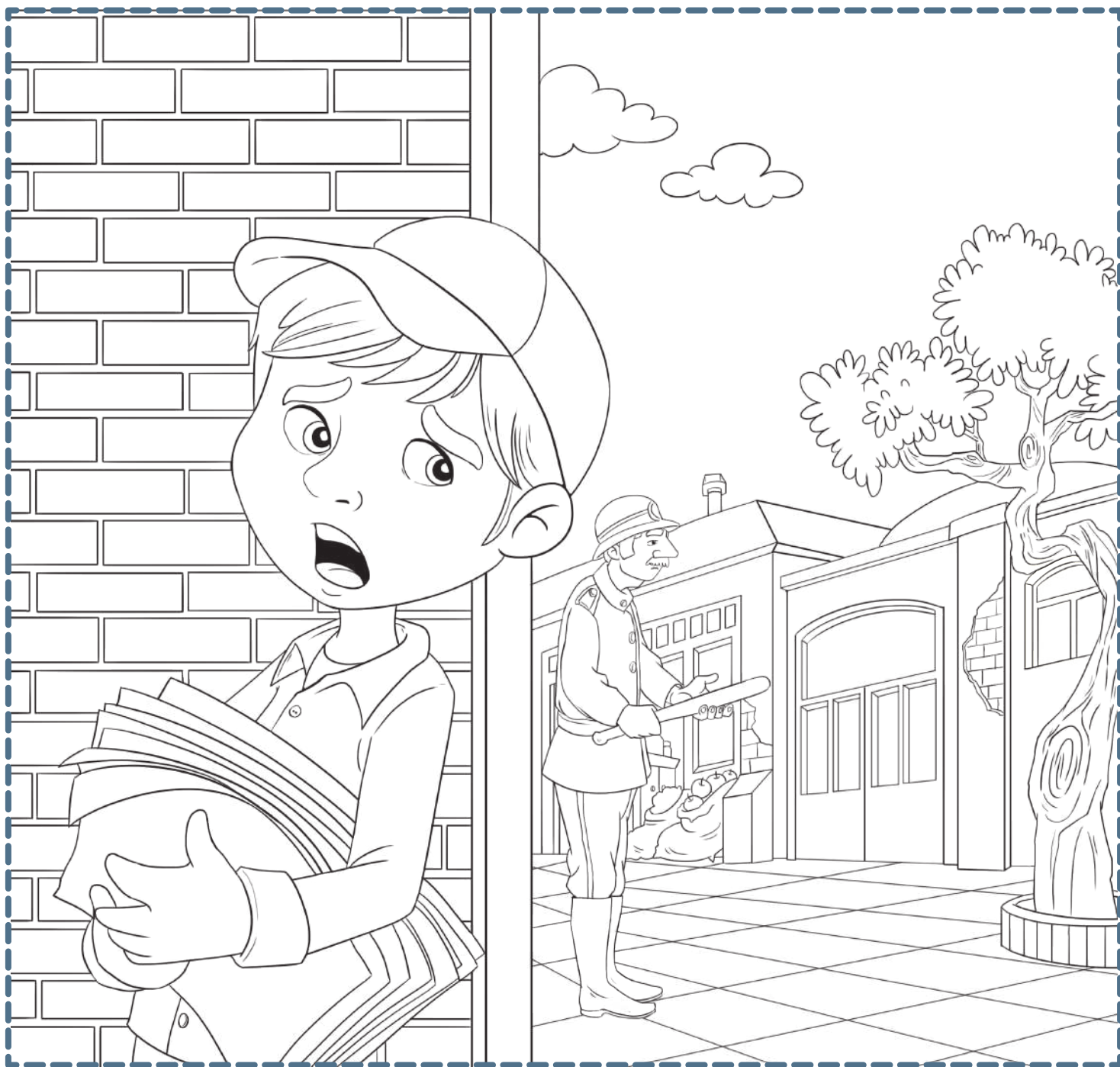


۱۰

(رحمة الله عليه)

تبعید امام خمینی

چند وقت بعد، امام آزاد شد؛ ولی مدتی بعد دوباره مأمورها حمله کردند به خانه‌اش و او را تبعید کردند؛ یعنی مجبورش کردند از ایران برود در یک کشور دیگر زندگی کند. در این مدت که ۱۵ سال طول کشید مردم از طریق اعلامیه از نظرات امام خبردار می‌شدند. مردم این اعلامیه‌ها را به طور مخفیانه با دردسرهای زیاد کپی می‌کردند و به دست همه می‌رساندند. اگر پلیس اعلامیه‌های امام را پیش کسی پیدا می‌کرد او را به زندان می‌انداخت.





۱۲

نوزدهم دیماه

چند سال از تبعید امام گذشته بود که آقامصطفی، پسر امام به شهادت رسید. امام آن موقع در کشور عراق زندگی می کرد. مردم ایران که خبر شهادت مصطفی خمینی را شنیدند برای او در شهرهای مختلف مراسم عزاداری گرفتند و دوباره اسم امام خمینی همه جا سر زبانها افتاد. شاه که حساسی عصبانی شده بود دستور داد توی روزنامه مطلبی بنویسند و به امام توهین کنند. مردم قم در اعتراض به این توهین تظاهرات کردند و مأموران خیلی از آنها را شهید کردند.





۱۴

چهل شهدای قم

بعد از قم، نوبت تبریز بود. چهل روز بعد از قیام مردم قم، مردم تبریز انگار که فامیلهایشان فوت کرده باشند برای شهدای راهپیمایی قم، مراسم چهلم برگزار کردند. مأمورهای شاه هم به مراسمشان حمله کردند و خیلی از آنها را کشتند. چهل روز بعد، مردم یزد برای شهدای تبریز چهلم گرفتند. این مراسم هم کلی شهید داد. بعد هم نوبت تهران و خمین و کرج و ایلام و بقیه شهرها بود. هرچه تعداد شهدا بیشتر می‌شد، مردم هم از شاه آدم‌کش بیشتر متنفر می‌شدند و تصمیمشان برای بیرون انداختن شاه جدی‌تر می‌شد.





جمعه سیاه

۱۶

شاه که حسابی از جمع شدن مردم و شعارهایی که می‌دادند ترسیده بود حکومت نظامی اعلام کرد. یعنی اعلام کرد که توی خیابان‌ها نباید بیشتر از سه نفر کنار هم بایستند یا راه بروند. اما مردم تهران، همه با هم قرار گذاشتند که روز جمعه هفدهم شهریور در میدان ژاله جمع شوند و به ظلم و آدم‌کشی شاه اعتراض کنند. مأمورهای شاه به مردم حمله کردند و آن قدر آدم کشته شد که آن روز به «جمعه سیاه» معروف شد.

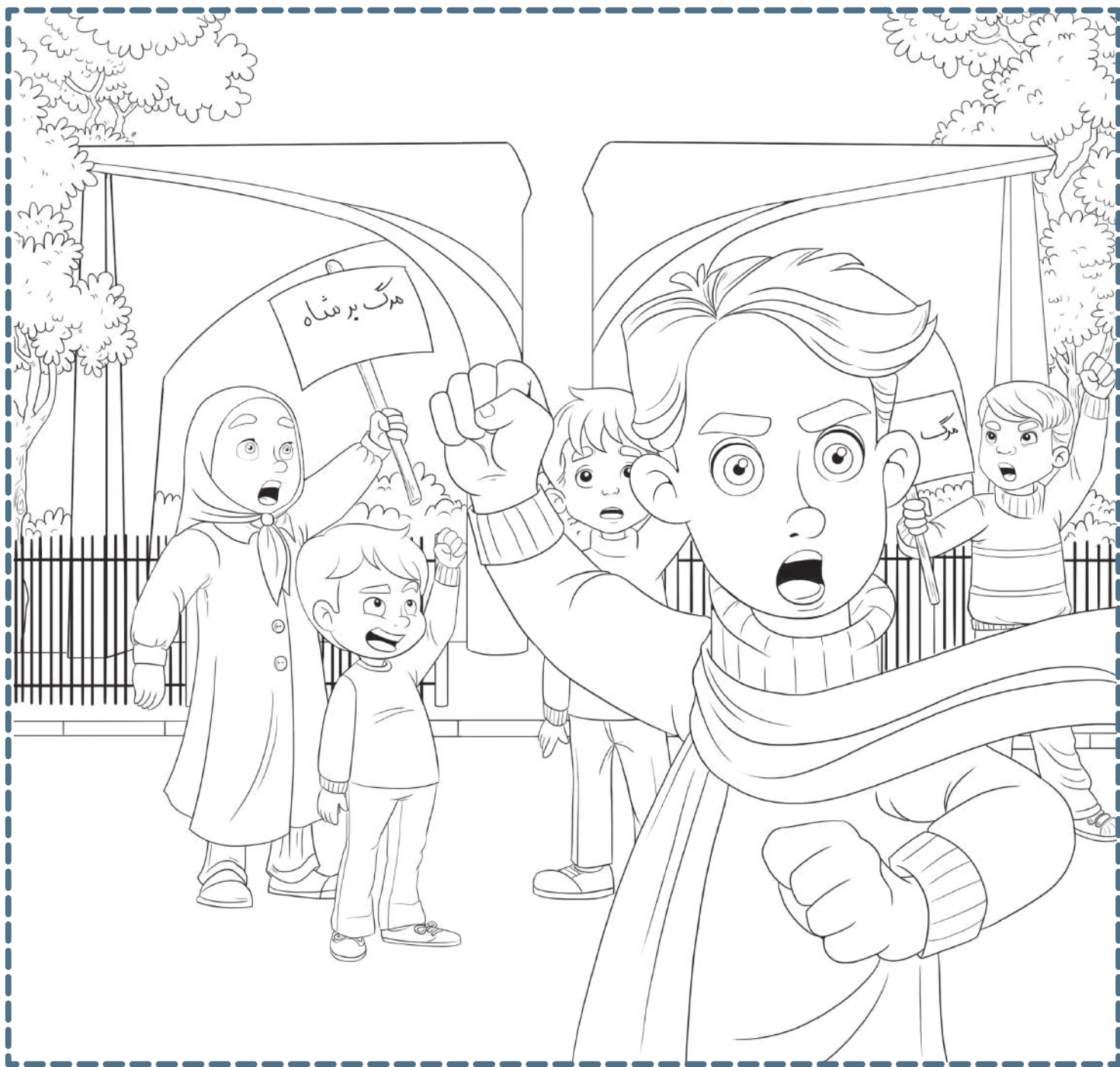




۱۸

سیزدهم آبان

چند ماه بعد، یعنی در روز سیزدهم آبان، دانش آموزان هم به میدان آمدند. آن‌ها نزدیک دانشگاه تهران جمع شدند و شعار «مرگ بر شاه» دادند. این بار هم مأمورها به بچه‌ها حمله کردند و ۵۶ نفر از آن‌ها را کشتند. به خاطر ماجراهای آن روز، بعدها اسم روز سیزدهم آبان را گذاشتند «روز دانش‌آموز».





فدر شاه

۲۰

شاه می‌دید که مردم خیلی از دست او عصبانی هستند و همین روزهاست که به کاخش حمله کنند و از کشور بیرونش کنند. برای همین تصمیم گرفت زودتر فرار کند. با رفتن شاه از ایران، ارتش با مردم دوست شد. مردم هم که می‌دیدند راهپیمایی‌ها و شهید دادن‌هایشان نتیجه داده خوشحال شدند و از امام خمینی خواستند به ایران برگردد.





بازگشت امام به میهن

در دوازدهم بهمن آن سال، امام خمینی بعد از ۱۵ سال دوری از کشور و مردمش به ایران برگشت. مردم از آمدن امام خیلی خوشحال بودند و جمعیت زیادی به استقبال او رفتند. مردم، طرفداران شاه را از جاهای مختلف بیرون کردند و امور کشور را کاملاً به دست خودشان گرفتند. این کار ده روز طول کشید. بعدها این ده روز به «دهه فجر» معروف شد. از آن سال به بعد، مردم ایران دهه فجر را جشن می گیرند.

